



## به مناسبت هفتمین سالگرد وفات رهبر فقید حزب اسلام آذربایجان

حاج علی اکرام علی اف فرزند اسماعیل، مبارز مسلمان و رهبر مجاهد اسلام‌گرایان جمهوری آذربایجان، در سال 1940 میلادی، در قصبه نارداران 25 کیلومتری شمال باکو در یک خانواده مذهبی و متدین متولد شد.

آران نیوز-حاج علی اکرام علی اف فرزند اسماعیل، مبارز مسلمان و رهبر مجاهد اسلام‌گرایان جمهوری آذربایجان، در سال 1940 میلادی، در قصبه نارداران 25 کیلومتری شمال باکو در یک خانواده مذهبی و متدین متولد شد.

وی فارغ التحصیل رشته تربیت بدنی از باکو بود که به دلیل گرایش‌های مذهبی و شیعی، از اوایل جوانی، زیر بار برنامه‌های تحمیلی کمونیست‌ها نرفت و بنای ناسازگاری گذاشت. در سال 1974 میلادی (1353ش) به واسطه یک دانشجوی ترک زبان یمینی در باکو، با نام امام خمینی و زندگی و مبارزات ایشان آشنا و از تبعیدی بودن آن بزرگوار آگاه شد. در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، صدای امام و پیام ایشان را در رادیو تبریز شنید و از لحظه ورود امام به ایران - که از تلویزیون مسکو می‌دید - از مرجع تقلید اول خود عدول کرد و مقلد امام شد. جذابیت شخصیت امام خمینی و شور انقلاب اسلامی، او را سخت تحت تأثیر قرار داد و مثل هزاران مسلمان آزاده و غیور جهان، او نیز دل به عشق امام داد و به طرفداران انقلاب اسلامی در خارج از ایران پیوست. در دوران زندگی امام بسیار تلاش کرد تا به ایران بیاید و امام را ببیند، اما نگذاشتند؛ حتی به مدت هشت سال از نزدیک شدن به مناطق جنوبی آذربایجان و مرزهای ایران ممنوع شد!

با این حال وی در داخل قلمرو حکومت شوروی و در زادگاهش نارداران، هسته طرفداران انقلاب اسلامی و حلقه مقلدان امام خمینی را تشکیل داد و رهبری کرد و فعالیت خود را در آشنا کردن مردم آذربایجان با انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی، بازگشت به هویت اصیل اسلامی- شیعی کشور و ملت جمهوری آذربایجان، نشر معارف دینی و قرآنی، برپایی مخفیانه مجالسی در بزرگداشت شهادت انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و... گسترش داد.

همین فعالیت‌های او با انگیزه دینی و اعتقادی، روز به روز در حال گسترش بود و مردم را در مناطق مختلف جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان مجذوب خود ساخت. بدین گونه در هر گوشه و کناری بویژه نارداران و باکو، جماعتی انبوه همگام با علی اکرام، حرکتی برای بازیابی هویت خویش آغاز کردند. در این میان سازمان امنیت شوروی (ک. گ. ب) نیز که متوجه قضایا شده بود، حاج علی اکرام را به دقت تحت نظارت و کنترل قرار داد و از ترس این که مبدا به ایران بگریزد، او را از نزدیک شدن به مناطق جنوبی آذربایجان (مرز شمالی ایران) منع می‌کرد.

او همواره در آرزوی سفر به ایران و دیدن امام خمینی به سر می‌برد. اما این دیدار و زیارت در زمان حیات امام میسر نشد. چند ماه پس از وفات امام در سال 1368، هیئتی از آذربایجان از طریق مسکو برای نخستین بار به سفر زیارتی خارج از شوروی رفت که حاج علی اکرام نیز در ترکیب آن بود. هیئت زیارتی آذربایجان شوروی، پس از زیارت عتبات عالیات در عراق و حرم حضرت زینب(س) در سوریه، به ایران آمد و به زیارت حضرت امام(رضاع) در مشهد و حضرت معصومه(س) در قم نیز نایل گردید و مقبره امام خمینی(ره) را در تهران زیارت کرد.

در حادثه زلزله گیلان در سال 1369، حاج علی اکرام جزو نمایندگان کمک رسانی شوروی بود که از مسکو به ایران آمد و در این سفر، یک رحل بزرگ چوبی رمزدار و زیبای قرآن را که چند قرن قدمت دارد، با خود آورد و به حرم امام خمینی اهداء کرد که هنوز هم این اثر هنری ارزشمند بر روی قبر امام قرار دارد. او سالها پیش در زمان حیات امام خمینی نذر کرده بود که اگر به ایران برود و امام را ببیند، این رحل قرآن را به ایشان اهدا خواهد کرد، اما...

حاج علی اکرام، رهبری مقلدان امام در باکو و قصبه نارداران را بر عهده داشت و از ارادتمندان مقام معظم رهبری بود. پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، رهبر اسلام‌گرایان در آن مناطق بود و «حزب اسلام آذربایجان» یا به تعبیر خودش، «حزب جمهوری اسلامی آذربایجان» را تأسیس کرد. در واقع مبارزات و مجاهدات او و هم‌زمانش علیه سلطه غرب و حاکمیت کمونیست‌های سابق و خاندان «علی‌یف» و دعوت مردم مسلمان و روشنفکران به اسلام و حاکمیت ارزش‌های دینی، از درخشان‌ترین صفحات تاریخ انقلاب اسلامی در بیرون از ایران است.

حاج علی اکرام پیش از فروپاشی شوروی، به سبب داشتن گرایش‌های مذهبی، از بسیاری از امتیازات اجتماعی محروم شد و پس از فروپاشی شوروی و تثبیت حکومت حیدر علی‌یف در جمهوری آذربایجان، سال‌ها در زندان مخوف این حکومت ماند و مورد شدیدترین شکنجه‌ها و اهانت‌ها قرار گرفت. در زندان، بیماری قند در بدنش شدت یافت و حکومت حیدر علی‌یف، اجازه معالجه و مراجعه به پزشک نداد. در نتیجه، چشم‌هایش دچار آسیب‌های جبران ناپذیری شد. او در زندان بود که حیدر علی‌یف حکومت ارثی خود را به پسرش الهم علی یف سپرد. پس از مرگ حیدر علی‌یف(2003) در زندان باز شد و مجاهد حق طلب و مؤمن، حاج علی اکرام در حالی از زندان بیرون آمد که بیش از 80 درصد روشنایی چشمانش را در زندان تاریک از دست داده بود، ولی همچون ابودر، شجاع، صریح، هشیار و منطقی علیه ظالمان همچنان می‌خروشید و از اسلام دفاع می‌کرد.

حاج علی اکرام، آزاده از آشنا و بیگانه، در اواخر بهمن ماه سال 1384 برای معالجه چشمانش به ایران آمد و در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شد. او از کم سو شدن یک چشمش و بی‌سو شدن چشم دیگرش رنج می‌برد. اما لب‌هایش همچنان به شکر و دعا و ذکر و صلوات و تکبیر و تهلیل و تسبیح مترنم بود و از خدا می‌خواست که سلطه استمگران و شیطان بزرگ، آمریکا و دست نشانده‌های او را از ممالک اسلامی به ویژه کشورش آذربایجان قطع گرداند.

حاج علی اکرام سلسله جنیان نهضت اسلامی معاصر جمهوری آذربایجان، ساعت 5 بعد از ظهر روز پنجشنبه 26 اسفند 1389 برابر با 17 مارس 2011، در منزل شخصی خود در نارداران. باکو بر اثر بیماری قند و ربه پس از 40 سال جهاد در راه ترویج اسلام و زندگی به رنگ خدا (صبغه الله)، در 71 سالگی دار فانی را وداع گفت و روز جمعه در کنار تربت امام زاده "رحیمه خاتون" در قصبه نارداران به خاک سپرده شد.

اما نکته‌ای را که نباید از نظر دور داشت آن است که مرگ حاج علی اکرام نوعی شهادت تدریجی در اثر شکنجه‌های دشمنان اسلام بود. با این توضیح که حاج علی اکرام حدود شش سال در زندانهای مخوف باکو متحمل سخت‌ترین شکنجه‌ها شد و جسم و جاننش صدمات غیر قابل جبرانی برداشت و تا آخر عمرش نیز مدام از این بیماری‌های ناشی از زندان حیدر علی یف رنج برد ولی خم به ابرو هم نیاورد و با روحیه‌ای شاداب که از علایم ایمان قوی او بود، زیست، ولی بیماری‌های ناشی از شکنجه‌های وحشیانه عوامل شکنجه گر زندان، جسم این مجاهد نستوه را آزار داد و ... تا اینکه در اثر این دردهای فرساینده، جان سپرد.

اما زمانی خواهد رسید، مردم جمهوری آذربایجان نیز هر آنچه حاج علی اکرام درک می‌کرد، درک کنند و در آن روز است که روح آن مرحوم نیز آرام خواهد گرفت. زمانی خواهد رسید که مردم این کشور نیز مانند علی اکرام یا به عرصه بیداری نهاده و برای خواست حق و حقوق خود انقلاب خواهند کرد.

امروزه کسانی هستند که در جمهوری آذربایجان، راه این مرد بزرگ را ادامه می‌دهند، سخنان او را آویزه گوش خود قرار داده و مفهوم حرف‌های وی را متوجه شده و پا در عرصه

بیداری نهاده اند؛ کسانی که شعارها و خواسته های او را اعلام نموده و در زندان ها جای گرفته اند. امروز پرچمی که توسط حاج علی اکرام برافراشته شده، سرنگون نشده، بلکه در دست اشخاصی مانند خود ایشان محکم و استوار است. هستند کسانی چون حاج محسن صمداف، حاج آبگل سلیمانف و حاج طالع باقرزاده که حاضر به نوشیدن شربت شهادت در راه آزادی باشند.

راه حاج علی اکرام که به تعبیر خود او راه امام خمینی بود، بی شک در جمهوری آذربایجان مستدام خواهد بود و آیندگان او و مجاهدتهایش را بهتر و بیشتر خواهند شناخت. حاج علی اکرام به حق مرد خدا، مجاهد راه اسلام و قهرمان ملی جمهوری آذربایجان بود... رحمت خدا و سلام فرشتگان و درود اولیاءالله بر او باد تا ابد.